

فهرست

- ۳ فصل اول: تعریف یادگیری
- ۱۲ فصل دوم: مبانی فلسفی رویکردهای نظری یادگیری
- ۲۲ فصل سوم: نظریه ترندایک
- فصل چهارم: نظریه شرطی‌سازی کلاسیک (نظریه پاولف)
- ۳۳
- فصل پنجم: نظریه کلارک لئونارد هال (نظریه کاهش محرک سابق)
- ۴۰
- فصل ششم: نظریه ادوین ری گاتری
- ۵۱
- فصل هفتم: نظریه گشتالت
- ۵۹
- فصل هشتم: نظریه یادگیری علامتی تولمن
- ۶۹
- فصل نهم: نظریه بی.اف. اسکینر «نظریه شرطی‌شدن کنشگر یا عامل»
- ۷۹
- فصل دهم: نظریه یادگیری مشاهده‌ای یا «نظریه شناختی اجتماعی بندورا»
- ۹۱

- ۱۰۰ فصل یازدهم: نظریه پردازش اطلاعات
- ۱۰۸ فصل دوازدهم: نظریه دونالد آ. نورمن
- ۱۱۶ فصل سیزدهم: حافظه: رویکرد ساختاری و پردازشی
- ۱۲۷ فصل چهاردهم: انواع حافظه
- ۱۳۸ فصل پانزدهم: حافظه معمولی یا حافظه روزمره

فصل ۱

تعریف یادگیری

یادگیری چیست؟

وودورث عقیده دارد که یادگیری آن نوع فعالیتی است که در فعالیتهای بعدی و آینده فرد تأثیر دارد. این تعریف، بیش تر معطوف به آینده است چون شرط یادگیری ایجاد تغییر در آینده است.

مان می گوید: «یادگیری هر نوع تغییر در رفتار است که از تجربه نتیجه می شود و ناشی از تغییرات فیزیولوژیک نیست. یادگیری، سازگاری با اوضاع تازه و حل مسائل ساده و پیچیده را ممکن می سازد.» کیمبل، یادگیری را تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه که در نتیجه تمرین تقویت شده رخ می دهد، تعریف کرده است.

واژه تغییر، بیانگر این است که وضعیت یادگیرنده قبل و بعد از یادگیری، نباید ثابت و یکسان باشد، بلکه باید تغییراتی در آن رخ داده باشد.

رفتار، عبارت است از هر نوع فعالیتی از یک جاندار که مورد مشاهده باشد.

واژه نسبتاً پایدار، به پایداری زمانی تغییر صورت گرفته

اشاره دارد.

بالقوه در برابر بالفعل قرار دارد. بالفعل، یعنی عملی که فعلیت و انجام آن در حال حاضر قابل رؤیت باشد. **بالقوه**، یعنی دستیابی به فعلیت انجام کاری که لزوماً ممکن است در حال حاضر ظاهر نگردد. در تعریف کیمبل، ملاک یادگیری تمرین و تجربه است. **تقویت** به دلیل بروز تغییر، ارائه می‌گردد و معنای آن این است که به دنبال ارائه تقویت‌کننده، تغییرات مورد نظر افزایش می‌یابد.

آیا یادگیری باید به تغییر رفتار بینجامد؟

اکثر نظریه‌پردازان، یادگیری را متغیر رابط می‌دانند که واسطه بین تغییرات رفتاری و تجربه است. متغیر رابط، یک جریان فرضی است که بین یک محرک و یک پاسخ قرار می‌گیرد. اسکینر بر این باور است که یادگیری عین تغییرات رفتاری است و وجود متغیرهای رابط، بی‌معناست.

نسبتاً پایدار چه قدر پایدار است؟

تغییراتی که در نتیجه عواملی همچون خستگی و اثر دارویی رخ می‌دهد، یادگیری به حساب نمی‌آید؛ چون اولاً به دلیل تمرین و تجربه نیست، ثانیاً پایدار نیست.

آیا یادگیری و عملکرد با هم متفاوتند؟

بروز یادگیری به صورت بالفعل را عملکرد گویند. یادگیری نسبت به عملکرد، اعم است؛ یعنی این که ممکن است یادگیری رخ دهد اما به عملکرد نرسد. به عبارت دیگر، یادگیری فراتر از عملکرد است.

آیا ملاک یادگیری، تمرین و تجربه است؟

هر رفتاری که به مقدار بیش‌تری تحت تأثیر تمرین و تجربه باشد، از یادگیری بیش‌تری برخوردار خواهد بود. رفتار بازتابی و غریزی، رفتارهای یادگیری نیستند. بازتاب، یک پاسخ ساده ناآموخته در واکنش به محرک خاص است. رفتارهای غریزی همچون، مهاجرت پرندگان، لانه‌سازی و... یادگیری به حساب نمی‌آیند.

تعریف یادگیری با رویکرد شناختی

در رویکرد رفتاری، محصول و نتیجه، اهمیت به‌سزایی دارد، به‌عبارت‌دیگر، نوع پاسخ به محرک خاص مهم است نه چگونگی دستیابی به پاسخ خاص.

در رویکرد شناختی، آنچه که ملاک یادگیری است نحوه پردازش و دخالت فرآیندهای ذهنی است نه محرک و پاسخ خاص. یادگیرندگان در انتظارات، اهداف، باورها و... با یک‌دیگر متفاوتند. تفاوت در فرآیندهای ذهنی، برون‌دادهای مختلفی را موجب خواهد شد در نتیجه، به یادگیری متفاوتی می‌انجامد.

از نظر روان‌شناسان شناختی، یادگیری ایجاد تغییر در رفتار آشکار نیست، بلکه ایجاد تغییر در ساخت شناختی و فرآیندهای ذهنی است.

حافظه چیست؟

از نظر اندرسون، حافظه، ثبت نسبتاً پایداری است که زیربنای یادگیری است. روان‌شناسان شناختی جدید، حافظه را صرفاً مخزنی جهت ثبت یا نگهداری دائمی

اطلاعات نمی‌دانند، بلکه آن را محل پردازش اطلاعات می‌شناسند.

روان‌شناسان فیزیولوژیک، افرادی هستند که به ماهیت نورونی و هورمونی ثبت تغییرات به‌دست‌آمده علاقه‌مند هستند. روان‌شناسان شناختی به عوامل پردازشی اشاره دارند که بر چگونگی ثبت متأثر است.

تفکر، چیزی است که فراتر از یادگیری و حافظه است. تفکر بازآرایی یا تغییر شناختی، اطلاعات به‌دست‌آمده از محیط و نمادهای ذخیره‌شده در حافظه درازمدت است.

تفکر خودگرا، جنبه بسیار خصوصی دارد و نمادهایی را به کار می‌گیرد که دارای معانی کاملاً شخصی است، مانند رؤیا.

تفکر هدایت‌شده (جهت‌دار)، شامل حل کردن مسائل و خلق چیزهای تازه است. این‌ها تفکراتی هستند که وجود آن‌ها را در متفکران بزرگ ارج می‌نهیم.

اندرسون می‌گوید یادگیری، به فرآیند انطباق رفتار

با تجربه و حافظه، به ثبت پایدار این انطباق مربوط می‌شود.

تعریف آموزش

آموزش به فعالیت‌های از پیش طرح‌ریزی شده‌ای گفته می‌شود که با هدف یادگیری در دانش‌آموزان، بین معلم و یک یا چند دانش‌آموز به صورت کنش متقابل یا رابطه دوجانبه انجام می‌شود.

براون و اتکینس، آموزش را به‌عنوان فراهم کردن فرصت‌هایی برای این که دانش‌آموزان یاد بگیرند، تعریف کرده‌اند. آموزش در مقایسه با یادگیری، بُعد بیرونی دارد اما یادگیری، جنبه درونی دارد.

آموزش را معلم یا جایگزین معلم انجام می‌دهد اما یادگیری را دانش‌آموز یا فراگیر انجام می‌دهد.

آموزش و یادگیری ضمن این که مستقل هستند، در عین حال کاملاً به هم دیگر مرتبط هستند؛ زیرا یادگیری، هدف است و آموزش، ابزاری برای رسیدن به این هدف.